

نیازمند مراقبه و قاعده‌مندی متناسب با ایده کشف حقیقت است، اما اصل تلاش برای به‌نطق‌درآوردن سیاست در رهایی از سیاست کنترلی، مهمترین دستاورد انتخابات ۱۴۰۲ است. هرچند تامل درباره آینده این انتخابات و نامزدهای جدید آن، از ضرورت‌های عقلی و اخلاقی است، اما انسان به‌جهت شرایطی که تجربه می‌کند، گاه ناگزیر است فارغ از هر آنچه در آینده پیش آید، دل به دریا بزند و تنها برای ادامه بقا خویشت، دست به رفع هر نوع انسدادی بزند تا در فردایی روشن‌تر بتواند مسیر آینده خویشت را دنبال کند. انسداد سیاسی ناشی از سیاست‌های کنترلی، محصولی جز خفگان و بسته‌شدن نطق ندارد و انسان غیر ناطق را به‌دشواری می‌توان از قلمرو دیگر موجودات مادونش، متمایز ساخت. انسان غیر ناطق، حیوانی جاندار است، اما زندگی نمی‌کند.

۸. اگر یکی از معانی نطق را نطق اخلاقی بدانیم، برون‌آمدن از شرایط انسداد ناشی از تسلط ایده کنترل تکنیکی، مستلزم تقید به عمل اخلاقی است. همانطور که می‌دانیم تحقق عمل اخلاقی، وابسته به تقید به اصل جبر و اختیار است. در فقدان اختیار، هیچ عملی، هرچند ذاتاً حسن باشد، متصف به عمل اخلاقی نمی‌شود. با این حال اختیار محض و فاقد هرگونه جبری نیز منتهی به هیچ عمل اخلاقی نمی‌شود. تحقق هرگونه عملی از انسان، لاجرم مقید به پذیرش حدودی از جبر یا ضرورت است. بنابراین عمل اخلاقی در میانه جبر و اختیار رقم می‌خورد. هرچند تنها با گذر از شرایط انسداد است که امکان عمل سیاسی فراهم می‌شود، اما در فقدان هرگونه مراقبه و پذیرفتن حدودی از ضرورت‌ها نیز عمل سیاسی رقم نخواهد خورد.

۹. از این منظر، لحظه کانونی انتخابات ۱۱ اسفند از این جهت اهمیت دارد که از یک‌سو، با نمایندگانی روبرو هستیم که محصول تلاش جمعی جامعه (چه خودآگاه و چه ناخودآگاه)، برای عبور و گذر از شرایط انسداد سیاسی هستند و از سوی دیگر، دغدغه و نگرانی فراگیری در جامعه وجود دارد که مبادا این نمایندگان، در فقدان مراقبه و نظارت جامعه، خودشان عاملان تحقق شرایط انسداد سیاسی جدیدی شوند. این لحظه کانونی و مهم، در میانه این دو حد قرار دارد؛ حد گذر از شرایط انسداد سیاسی و حد تقید به لوازم تحقق نطق و گفتگوی سیاسی، برای کشف حقایق کشف‌نشده.

۱۰. تنها با امید به در پیش گرفتن کشف حقایق کشف‌نشده سیاسی انقلاب اسلامی از طریق بارور کردن نطق سیاسی همه آحاد جامعه و مشارکت فعال آنها است که می‌توان امید داشت در فردای ۱۱ اسفند، شرایط انسداد دیگری رقم نخورد. این، گوی نمایندگان برگزیده ملت و این میدان دشوار و البته امیدبخش کشف ساحت‌های کشف‌نشده انقلاب اسلامی از طریق گفتگو و مشارکت آحاد جامعه.

غلبه نیروهای مستقل

روزنه امید

«سید آرش وکیلان»

چهار سال پیش جوانان متعهد و متخصص از طریق سازوکارهای شایسته‌گزینی علمی نظیر «ازما» و یا در قالب فهرست‌های آرمانگرا نظیر «عدالتخواهان» مجتمع شدند تا دست به کاری بزرگ در انتخابات مجلس از حوزه انتخابیه تهران، شمیرانات، ری، اسلامشهر و پردیس بزنند. اما عملیات دو قطبی سازی تصنعی اصولگرایان سبب شد که آنها شکست تلخ و سختی در انتخابات بخورند و عملاً اغلب‌شان از فعالیت سیاسی کنار بکشند.

در سودای تکرار پیروزی قبلی، این بار برندگان انتخابات پیشین که ترکیبی نامتجانس از افراد مرتبط با آقایان حداد عادل، قالیباف و برخی شخصیت‌های اصولگرا با جبهه پایداری بودند، فهرستی را تهیه کردند که عده قابل توجهی از افراد وابسته اما ناکارآمد و سفارش شده را در برمیگرفت و حتی در حد فهرست چهار سال قبل چهره جوان متخصص و متعهد نداشت. این فهرست حتی فاقد یک مرام و هویت مشخص سیاسی و برنامه اقدام عملی بود.

اما این بار در غیاب اصلاح‌طلبان، هیچ توجیه اجتماعی و سیاسی برای تن دادن به این فهرست منتج شده از سازوکار پدرخواندگی نبود. لذا هشت گروه حامی جریان اصولگرایی با نزدیک به آن در قالب دو فهرست امنا و صبح ایران به رقابت با فهرست اصلی ائتلاف پرداختند. همزمان فهرست ائتلاف در اثر درگیری‌های داخلی عوامل ناهمگون آن از یک سو و افشاکاری‌های متعدد علیه برخی چهره‌ها و به خصوص سرلیست آن از سوی دیگر دچار بحران اعتبار و اعتماد اجتماعی شد.

در چنین شرایطی مردم که از سازوکار پدرخواندگی سیاسی و ارتقای سفارشی و سهمیه‌ای خسته شده بودند، در پی یک روزنه امید به فهرست‌های امنا و صبح امید اقبال بیشتری کردند به طوری که همه افراد مشترک این دو فهرست جزو سی نفر نخست انتخابات بودند اما برخی از چهره‌های نسبتاً سرشناس فهرست ائتلاف جریان اصلی اصولگرایی و فهرست‌های جانبی آن نتوانستند جزو ۳۰ نفر باشند بلکه به دور دوم هم راه نیافتند. بدتر آنکه سرلیست فهرست ائتلاف از یک استاد جوان و مجری یک برنامه کم بیننده سیاسی کمتر رای آورد. گویی تقدیر چنین رقم خورده بود تا آنان که با منطق سهمیه بندی سفارشی وحید یامین پور را از فهرست سال ۱۳۹۸ اصولگرایان کنار گذاشتند این بار به سختی از خلف او شکست بخورند.

پس از شکست پدرخواندگی اصولگرایان در تهران و موارد مشابه آن از سوی اعتدالگرایان و اصولگرایان در شهرهای بزرگ دیگر کشور، شرایط آماده‌گشایش راهی نو در سیاست ورزی کشور است. این راه می‌تواند ایجاد احزاب سیاسی حرفه‌ای باشد که مستمراً به فعالیت سیاسی بر اساس یک مرام و برنامه مشخص بپردازند نه آنکه هر از گاهی در فصل انتخابات فعال شوند و بعد به خواب زمستانی بروند. همچنین، ممکن است ادامه راه از طریق حمایت اصناف از نمایندگانی باشد که امور حوزه صنفی مشخصی را پیگیری کنند. یا آنکه سازوکار جانشین پروری بدیعی شکل بگیرد تا جوانان علاقمند به فعالیت سیاسی از طریق آن بتوانند رشد کنند. اما در هر صورت جمهوری اسلامی ایران نیازمند طرحی نوین برای موضوع نمایندگی است تا منتخبان مجلس آن نوعاً با کمتر از ۱۰ درصد آرای حوزه انتخابیه برگزیده نشوند بلکه یک حمایت گسترده اجتماعی داشته باشند.

